

سیری در نهج البلاغه

(۱۷)

مر قنزی مطهری

اهل بیت و خلافت

(۳)

انتقاد از خلفاء

مسئله سوم در این موضوع انتقاد از خلفاء است، انتقاد علی (ع) از خلفاء غیر قابل انکار بوده و طرز انتقاد آنحضرت آموزنده است. انتقادات علی (ع) از خلفاء تحلیلی و منطقی است، احساساتی و متعصبانه. انتقاد اگر از روی احساسات و وطنیان ناراحتیها باشد، يك شكل دارد، و اگر منطقی و بر اساس قنات صحیح در واقعیات باشد شکلی دیگر. انتقادهای احساساتی معمولاً در باره همه افراد يك نواخت است زیرا يك سلسله ناسزاها و طمن، لعن‌ها است که نثار میشود. سب، لعن ضابطی ندارد.

اما انتقادهای منطقی مبنی بر خصوصیات روحی و اخلاقی و متکی بر نقطه‌های خاص تاریخی زندگی افراد مورد انتقاد میباشد و چنین انتقاد، طبعاً نمیتواند در مورد همه افراد يك سان و بخشنامه‌وار باشد در همین جا است که ارزش درجه واقع بینی انتقاد کننده روشن میگردد.

انتقادهای نهج البلاغه از خلفاء برخی کلی و ضمنی است و برخی جزئی و مشخص. انتقادهای کلی و ضمنی همانها است که علی (ع) صریحاً اظهار میکند که حق قطعی و مسلم من ازمین گرفته شده است، مادر شماره پیش به مناسبت بحث از اسناد آنحضرت به منصوصیت خود، آنها را نقل کردیم.

ابن ابی الحدید میگوید شکایت و انتقاد امام از خلفاء ولو بصورت ضمنی و کلی متواتر است. روزی امام شنید که مظلومی فریاد بر میکشید که من مظلوم و بر من ستم شده است، علی به او گفت: (بیا سوته دلان کرده‌م آئیم) بیا با هم فریاد کنیم. زیرا من نیز همواره ستم کشیده‌ام.

ایضاً از یکی از معاصرین مورد اعتماد خودش معروف به ابن‌عالم نقل میکند که گفته در محضر اسماعیل بن علی حنبلی امام حنابله عصر بودم که مسافری از کوفه به بغداد مراجعت کرده بود و اسماعیل از مسافرتش و از آنچه در کوفه دیده بود از او میپرسید و او در ضمن نقل وقایع با تأسف زیاد جریان انتقاد های شدید شیعه را در روز غدیر از خلفاء اظهار میکرد. فقیه حنبلی گفت تقصیر آن مردم چیست؟ این در را خود علی (ع) باز کرد. آن مرد گفت پس تکلیف ما در این میان چیست؟

این انتقادها را صحیح و درست بدانیم یا نادرست ؟ اگر صحیح بدانیم یکطرفه را باید درها کنیم و اگر نادرست بدانیم طرف دیگر را !

اسماعیل باشنیدن این پرسش از جا حرکت کرد و مجلس را بهم زد . همین قدر گفت این پرسشی است که خود منهم تاکنون پاسخی برای آن پیدا نکرده ام .

* * *

انتقاد از ابوبکر بصورت خاص در خطبه ششمیه آمده است و در دو جمله خلاصه شده است :

اول : اینکه او بخوبی میدانست من از او شایسته ترم و خلافت جامه ایست که تنها بر اندام من راست می آید . او با اینکه این را بخوبی میدانست چرا دست بچینین اقدامی زد ، من در دوره خلافت ، مانند کسی بودم که خار در چشم یا استخوان در گلویش بماند :

اماوله لقد تقمصها ابن ابی قحافة و انه لم يعلم ان محلي منهما محل القطب من الرحي ..

دوم : اینست که چرا خلیفه پس از خود را تعیین کرد خصوصاً اینکه او در زمان خلافت خود يك نوبت از مردم خواست که قرار بیعت را اقاله کنند و او را از نظر تعهدی که از این جهت برعهده اش آمده آزاد گذارند چنین کسی که در شایستگی خود برای این کار تردید میکند و از مردم تقاضا میکند استعفايش را بپذیرند چگونه است که خلیفه پس از خود را تعیین میکند **فوا عجباً بیناهو يستقبلها فی حیاته اذ عقدها لآخر بعد وفاته .**

شگفتا که ابوبکر از مردم میخواهد که در زمان حیاتش او را از تصدی خلافت معاف بدانند و در همان حال زمینه را برای دیگری بعد از وفات خویش آماده میسازد . پس از بیان جمله بالا ، علی (ع) شدیدترین تعبیراتش را درباره دو خلیفه که ضمناً نشان دهنده ریشه پیوند آنها با يك دیگر است بکار میبرد میگوید **لشدهما تشطرا ضرعیهما .**

ابن ابی الحدید درباره استقاله (استعفاء) ابوبکر میگوید جمله ای بدو صورت مختلف از ابوبکر نقل شده که در دوره خلافت بر منبر گفته است برخی به این صورت نقل کرده اند : **ولیتکم ولست بخیر کم** یعنی خلافت برعهده من گذاشته شد در حالی که بهترین شما نیستم اما بسیاری نقل کرده اند که گفته است : **اقیلونی فلست بخیر کم** یعنی مرا معاف بدانید که من بهترین شما نیستم ، جمله نهج البلاغه تأیید میکند که جمله ابوبکر بصورت دوم اداء شده است .

انتقاد نهج البلاغه از عمر به شکل دیگر است ، علاوه بر انتقاد مشترکی که از او و ابوبکر با جمله **لشدهما تشطرا ضرعیهما** شده است يك سلسله انتقادات با توجه بخصوصیات روحی و اخلاقی او انجام گرفته است . علی (ع) دو خصوصیت اخلاقی عمر را انتقاد کرده است :

اول - خشونت و غلظت او - عمر در این جهت درست در جهت عکس ابو بکر بود. عمر اخلاقاً مردی خشن و درشتخو و پر هیبت و ترسناک بوده است. ابن ابی الحدید میگوید: اکابر صحابه از ملاقات با عمر پررئیز داشتند. ابن عباس عقیده خود را دربارهٔ مسألهٔ «عول» بعد از فوت عمر ابراز داشت و باو گفتند چرا قبلاً نمیگفتی؟ گفت از عمر میترسیدم.

دره عمر، یعنی تازیانه او ضرب المثل هیبت بود تا آنجا که بعدها گفتند: **درة عمر اهیب من سیف حجاج**، یعنی تازیانه عمر از شمشیر حجاج مهیب تر بود. عمر نسبت به زنان خشونت بیشتری داشت زنان از او میترسیدند. در فوت ابو بکر زنان خانواده اش میگریستند و عمر مرتب منع میکرد، اما زنان همچنان بناله و فریاد ادامه می دادند عاقبت عمر ام فروه خواهر ابو بکر را از میان زنان بیرون کشید و تازیانه ای بر او نواخت زنان پس از این ماجرا متفرق گشتند. دیگر از خصوصیات روحی عمر که در کلمات علی (ع) مورد انتقاد واقع شده شتابزدگی در رأی و عدول از آن، و بالنتیجه تناقضگویی او بود مکرر رأی صادر میکرد و بعد با شتاب خود پی میبرد و اعتراف میکرد.

داستانهای زیادی در این مورد هست. جمله: **کلکم اقله من عمر حتی ربات الحجال**: همه شما از عمر فقیه ترید حتی عروسان حجله، در چنین شرائطی از طرف عمر بیان شده است همچنین جمله **لولا علی لهلك عمر**: اگر علی نبود عمر هلاک شده بود که گفته اند هفتاد بار از او شنیده شده است. در مورد همین اشتباهات بود که علی او را واقف میکرد. امیر - المؤمنین علی (ع) عمر را بهمین دو خصوصیت که تاریخ، سخت آن را تأیید میکند انتقاد می کند یعنی خشونت زیاد او به حدی که همراهان او از گفتن حقائق بیم داشتند و دیگر شتابزدگی و اشتباهات مکرر و سپس معذرت خواهی از اشتباه. دربارهٔ قسمت اول می فرماید: **فصیرها فی حوزة خشناء یغلظ کلمها و یخشن مسها... فصاحبها کراکب الصعبة ان اشق لها حرمه و ان اسلس لها تقحم**.

یعنی ابو بکر زمام خلافت را در اختیار طبیعتی خشن قرار داد که آسیب رساند نهایش شدید و تماس با او دشوار بود... آنکه میخواست با او همکاری کند مانند کسی بود که شتری چموش و سر مست را سوار باشد اگر مهارش را محکم بکشد بینش را پاره میکند و اگر سست کند به پر تگاه سقوط میکند.

و دربارهٔ شتابزدگی و کثرت اشتباه و سپس عذر خواهی او می فرماید: **ویکثر العثرات فیها و الاعذار منها** یعنی لغزشهای فراوانی از او سر می زد و پوزشهای زیادی از اشتباهات خود می طلبید.

در نهج البلاغه تا آنجا که من بیاد دارم از خلیفه اول و دوم تنها در خطبه شمشقیه که فقراتی از آن نقل کردیم بطور خاص یاد و انتقاد شده است در جای دیگر اگر هست یا بصورت کلی است و

یا جنبه کنائی دارد، مثل آنجا که در نامه معروف خود به عثمان بن حنیف اشاره بمسئله فدک میکند .
 و یا در نامه ۶۲ میگوید : باور نمی‌کردم که عرب این امر را از من برگرداند، ناگهان متوجه شدم که مردم دورفلانی را گرفتند و با در نامه ۲۸ که در جواب معاویه نوشته و میگوید اینکه میگوئی مرا بزور وادار به بیعت کردند نقیصی بر من وارد نمیکنند، هرگز بربیک مسلمان عیب و عار نیست که مورد ستم واقع شود مادامی که خودش در دین خودش در شک و ریب نباشد.
 در نهج البلاغه ضمن خطبه شماره ۲۲۶ جمله‌هایی آمده است مبنی بر ستایش از شخصی که به کنایه تحت عنوان «فلان» از او یاد شده است . شرح نهج البلاغه درباره اینکه این مردی که مورد ستایش علی واقع شده کیست اختلاف دارند غالباً گفته اند مقصود عمر بن الخطاب است که یا بصورت جد و یا بصورت تقیه ادا شده است و برخی مانند قطب راوندی گفته اند مقصود یکی از گذشتگان صحابه از قبیل عثمان بن مظعون و غیره است ولی ابن ابی الحدید به قرینه نوع ستایشها که میرساند از یک مقام متصدی حکومت ستایش شده است زیرا سخن از مردی است که کجیها را راست و علتها را رفع نموده است و چنین توصیفی برگذشتگان صحابه قابل انطباق نیست؛ می گوید: قطعاً جز عمر کسی مقصود نبوده است.

ابن ابی الحدید از طبری نقل می کند که در فوت عمر زنان میگریستند دختر ابی حنمه چنین ندب می کرد : **اقام الاود و ابراً العمد امانات الفتن و احیا السنن خرج نقی الثوب برینا من العیب .**

آنگاه طبری از مغیره بن شعبه نقل میکند که پس از دفن عمر بسراغ علی رفتم و خواستم سخنی از او درباره عمر بشنوم علی بیرون آمد در حالی که سر و صورتش را شسته بود و هنوز آب می چکید و خود را در جامه ای پیچیده بود و مثل اینکه تردید نداشت که کار خلافت بعد از عمر بر او مستقر خواهد شد گفت دختر ابی حنمه راست گفت که گفت: لقد قوم الاود ...

ابن ابی الحدید این داستان را مؤید نظر خودش قرار می دهد که جمله های نهج البلاغه در ستایش عمر گفته شده است.

ولی برخی از منتقدین عصر حاضر از مدارک دیگر غیر از طبری داستانرا به شکل دیگر نقل کرده اند و آن اینکه علی پس از آنکه بیرون آمد و چشمش به مغیره افتاد به صورت سؤال پرسش فرمود : آیا دختری حنمه آن ستایشها را که از عمر میکرد راست میگفت؟

علاوه بر این جمله های بالا نه سخن علی (ع) است و نه تأییدی از ایشان است نسبت به گوینده اصلی که زنی بوده است و سید رضی (ه) که این جمله ها را ضمن کلمات نهج البلاغه آورده است دچار اشتباه شده است .

انتقاد از عثمان در نهج البلاغه به شکلی دیگر است در شماره بعد از این باره بحث خواهیم کرد .